

328. CHITTICK, William C. Sultan Burhān al-Dīn's Sufi correspondence.
In: *WZKM* 73.1981.33-45.

7901 SOCSUGVA 8
MADE IN YEMEN ALPHANTAN
KORONA DESIGN 1.00.000000

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد دوازدهم، تهران، ۱۳۸۳

۵۷

برهان قاطع

نیز آرامگاه وی زیارتگاه مردم آن دیار است. همچنین موقوفاتی برای تهیه هزینه غرس و مخارج معاش سجاده نشینان و فرزندان قطب عالم (سادات قطبیه) اختصاص داده شده بود (گجراتی، همانجا).
برای برهان الدین کراماتی نیز ذکر کرده‌اند (داراشکوه، همانجا؛ غلام سرور، ۷۰/۲). پس از وی، فرزند اولش معروف به شاه عالم، خلیفه و جانشین وی گردید (نک: ابوالفضل، همانجا).

مآخذ: ابوالفضل علامی، آیین اکبری، لکهنو، ۱۸۹۳م؛ داراشکوه، محمد، سفینه الاولیا، کانپور، ۱۸۸۴م؛ دهلوی، عبدالحق، اخبار الاخیار، دهلی، ۱۳۳۲ق؛ شاهنوازخان، مآثر الامراء به کوشش میرزا اشرف علی، کلکته، ۱۳۰۹ق/۱۸۹۱م؛ عبدالحق، نزله الخواطر، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۱ق/۱۹۵۱م؛ غلام سرور لاهوری، خزینة الاصفیا، کانپور، ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م؛ غوثی شطاری، محمد، گلزار ابرار به کوشش محمد ذکی، پنته، ۱۹۹۴م؛ گجراتی، علی محمد، مرآة احمدی، بمبئی، ۱۳۰۷ق/۱۸۸۸م؛ لعلی بدخشی، لعل بیگ، ثمرات القدس، به کوشش کمال حاج سیدجوادی، تهران، ۱۳۷۶ش؛ نیز: غلامعلی آریا

Matthews, *The Journal of the Palestine Oriental Society*, 1935, vol. XV; Fulton, A., *Second Supplementary Catalogue of Arabic Printed Books in the British Museum*, London, 1959; Hitti, Ph. K. et al., *Descriptive Catalog of the Garrett Collection*, Princeton, 1938; Matthews, Ch. D., «Bā'itu-n-Nufūs of Ibnu-l-Firkāh», *The Journal of the Palestine Oriental Society*, 1933, vol. XIII; Pertsch. فرامرز حاج منوچهری

بُرْهَانُ الدِّینِ قُطْبِ عَالَمِ، ابو محمد عبدالله (۷۹۰-۸۵۷ق/ ۱۳۸۸-۱۴۵۴م)، از عارفان بزرگ سلسله سهروردیه در شبه قاره هند. وی فرزند ناصرالدین محمود (قس: ابوالفضل، ۱۷۸/۳: محمد)، نواده جلال الدین مخدوم جهانیان بخاری (گجراتی، ۱۶/۲؛ غوثی شطاری، ۱۳۳: دهلوی، ۱۶۷) بود و در برخی منابع با عنوان «ثانی مخدوم جهانیان» از او یاد شده است. خاندان برهان الدین از سادات بخارا بودند و نسب ایشان به جعفر مثنی، برادر امام حسن عسکری (ع) می‌رسید (گجراتی، همانجا). شاید به همین سبب است که برخی، مذهب این خانواده را امامیه دانسته‌اند (شاهنوازخان، ۴۴۸/۳).

برهان الدین در شهر «أجه»، که اینک از توابع بهاولپور پاکستان است، متولد شد (لعلی، ۸۳۳؛ عبدالحق، ۹۷-۹۶/۳؛ غوثی شطاری، همانجا). وی ده ساله بود که پدر را از دست داد و عموی پدرش «شاه راجو قتل» (د ۸۲۷ق/۱۴۲۴م) سرپرستی او را بر عهده گرفت. پس از چندی به اشاره وی زادگاه خود را ترک کرد و در ۸۰۲ق/۱۳۹۹م عازم شهر پتن شد. در آنجا سلطان مظفر شاه اول - که خود از مریدان جد وی بود - به استقبال او آمد (گجراتی، ۱۶/۲-۱۷). در همین شهر مدتی نزد علیشیر گجراتی علوم ظاهری و باطنی را فراگرفت و در زمره مریدان شیخ احمد کهتو درآمد و استاد بر او خرقة پوشاند و لقب قطب عالم به او داد (لعلی، ۸۳۴؛ عبدالحق، ۹۷/۳؛ گجراتی، ۱۷/۲؛ ابوالفضل، نیز غوثی شطاری، همانجا). وی گذشته از شیخ احمد کهتو، از بزرگان دیگری چون حامد بن محمود حسینی بخاری، صدرالدین ابن احمد اچی و شیخ نورالدین ابوالفتح شیرازی نیز خرقة دریافت کرد (عبدالحق، همانجا).

در ۸۱۳ق/۱۴۱۱م که سلطان احمد، شهر احمدآباد را بنا کرد، برهان الدین قطب عالم به درخواست وی از پتن به آنجا آمد. سلطان احمد هنگام ورود او قصیده‌ای را که در مدح وی سروده بود، قرائت کرد (گجراتی، همانجا). پس از حضور برهان الدین در احمدآباد، مسجدی نیز در محله آساوول برای او بنا شد. وی سپس به روستای «بتوه» در نزدیکی احمدآباد - که سلطان احمد آن را به وی واگذار کرده بود - رفت و بقیه عمر را در آنجا گذرانید (عبدالحق، گجراتی، همانجا).

سال درگذشت برهان الدین را ۸۵۰ ق (نک: گجراتی، ۱۷/۲) و ۸۵۶ق (داراشکوه، ۱۱۷) نیز ذکر کرده‌اند. بیکر برهان الدین ابتدا در آساوول به خاک سپرده شد، اما پس از ۳ روز بعضی از خلفای وی مصلحت دیدند که آن را به بتوه منتقل کنند (لعلی، ۸۳۳-۸۳۴). پادشاهان تیموری هند بارها مزار وی را زیارت کردند (EI²) و اینک

بُرْهَانِ قَاطِعِ، از مهم‌ترین فرهنگهای فارسی، تألیف محمدحسین ابن خلف تبریزی، متخلص به برهان در ۱۰۶۲ق/۱۶۵۲م. درباره مؤلف دانسته‌های ما بسیار اندک است. همین قدر می‌دانیم که او اصلاً تبریزی بوده، و چون دیگر ارباب فضل و ادب در آن عصر، به هند رفته است. او در حیدرآباد دکن اقامت گزید و همشین کسانی مانند شیخ شمس‌الدین محمدعاملی، مشهور به ابن خاتون (د ۱۰۵۹ق) بود و حوashi جامع عباسی را به خواهش همو استخراج و مدون ساخت. برهان تبریزی همچنین مدتی را در خدمت سلطان عبدالله قطب‌شاه بن قطب‌شاه (حک ۱۰۳۶-۱۰۸۳ق/۱۶۲۷-۱۶۷۲م) از پادشاهان سلسله قطب‌شاهی هند گذراند و فرهنگ خود را به او هدیه کرد (برهان، ...، ۱-د-۵؛ حکمت، ۷۸۱-۸۱؛ دولت‌آبادی، ۲۳۶/۱؛ گلچین، ۱۶۴/۱).

از برهان تبریزی، علاوه بر این کتاب، دو ماده تاریخ هم باقی مانده است، یکی درباره تجدید بنای قصر «ندی محل» در ۱۰۵۰ق/۱۶۴۰م، و دیگری در فتح «اودگیر» در ۱۰۵۳ق/۱۶۴۳م (صاعدی، ۲۸۵، ۳۱۴، ۳۱۷).

سالها پیش از تألیف برهان قاطع، گسترش زبان فارسی در منطقه و انتشار دیوان شاعران بزرگ در دربار سلاطین هند (مانند اکبر، جهانگیر و شاهجهان)، سبب شده بود که تمایلی عمومی نسبت به درک ظرایف و دقائق آثار این شاعران پدید آید. بدین سبب، ادیبان و لغت‌شناسان به نگارش و تدوین فرهنگهای فارسی روی آوردند (حکمت، ۸۷/۱) و بدین ترتیب، دو دوره فرهنگ‌نویسی شکل گرفت: دوره نخست که تا سده ۱۱ق ادامه یافت، دوره جمع‌آوری لغات است، و

44 (709 A.H.), 84 (712 A.H.); *Ulughkhānī*, *Zafar al-Wāliḥ*, Leiden 1929, iii, 857 f.). He left Delhi for Deōgir, in his old age, when Muḥammad b. Tughluḳ (725-52/1325-51) forced the higher society and *Shaykhs* etc. of Delhi, about 727/1327 (*Mubārak Shāhī*, 98) to move to his new capital Deōgir (Badā'ūnī, i, 226; M. Sāḳī, *Ma'āthir-i 'Ālamgiri*, Bib. Ind., 237; for the opposite view, that the *Shaykh al-Islām* sent him and others to (Burhānpūr and) Deōgir see Firiḡhta, *Safīna*, Mānduwī, *Adhkār-i Abrār* (tr. of *Gulzār-i Abrār*), Agra 1326, 90, *Ma'āridī*, *Khazīna* 322; contemporary authorities are silent as to the reason why he went to Deōgir). There he spent the rest of his life doing almost pioneer work in the dissemination of Islām and the spreading of the culture of Islām in the Deccan (*Safīna*), and trained a batch of distinguished adepts (*Khazīna* 333) to follow up his work. One of these (Ruku al-Dīn) collected his *obiter dicta* in the *Nafā'is al-Anfās* (nine of these quoted in the *Ma'āridī* l.c.), while Ruku al-Dīn's two brothers and Hamīd Qalandar also collected them (*Nuzha*, *Akhyār* 86°).

He had a magnetic personality, and enjoyed great popularity in the circle of his Master—he was a dear friend of the poets Amīr *Khusraw*, Mīr Ḥasan, and Mas'ūd Bak (who eulogises him in his works, especially in his *Yūsuf Zūlāykhā*), also of *Shaykh* Naṣīr al-Dīn *Čirāgh-i Dihlī* (d. 757/1357), Kirmānī etc. (*Siyar al-Awliyā*), 278 f.). He is described as an embodiment of longing and love, a man of asceticism, piety and ecstasy who charmed people by his heart-alluring discourses, an extremist in the matter of *samā*, who had a peculiar style of his own in the ecstatic derwish-dances, his fellow-dancers being called "Burhānīs" after him. Burhānpūr (on the *Ṭaptī*, in *Khāndēs*) commemorates his name, for he had given his blessings to an ancestor of its founder, Naṣīr *Khān Fārūḳī* (regn. 801-41/1399-1437), when he rested here on his way to Deōgir and foretold the rise of the Fārūḳīs and their founding of the city (Mānduwī, *Khāfi*, 214). They endowed his Rawḍa with land-grants, still available when Mānduwī wrote (1020/1611-12). According to the same authority, who visited it in 1001/1592-3, a large fair was held at the place, which has graves of several important disciples of the *Shaykh al-Islām*, on the anniversary of *Shaykh* Burhān al-Dīn's death. Dārā *Shukōh* also visited it, and Awrangzīb and two Niẓām al-Mulks were buried near it (*Khāfi*, ii, 549 = 572; *Ma'āthir al-Umarā*, ii, 834).

Bibliography: Apart from the works mentioned above the following are important: Muḥammad-i Mubārak Kirmānī, *Siyar al-Awliyā*, Delhi 1302, 278 (= 'Abd al-Ḥaḳḳ, *Akhhār al-Akhyār*, Delhi 1309, 93 = 'Alī Ardastānī, *Mahfil al-Aṣfiyā*, *Ādhar* Coll. MS. Panḍjāb University f. 796); Abu 'l-Faḳī, *Ā'in-i Akbarī*, ed. Blochmann, Calcutta, ii, 216, tr. Jarrett iii, 365, ii, 223 n. 3; Amin-i Aḥmad Rāzi, *Haft Ikhlām*, *Shayrānī* MS. Panḍjāb University, f. 137b (s.v. Dehlī); Firiḡhta, Bombay 1832, ii, 750; Dārā *Shukōh*, *Safīnat al-Awliyā*, Lucknow 1872, 101; 'Ubayd Allāh *Khweshgī*, *Ma'āridī al-Wilāya*, *Ādhar* Collection MS., Panḍjāb University f. 123b-125b; Sabzawāri, *Sawānīh* (see Storey; not available to me); Ghulām 'Alī Āzād, *Rawdat al-Awliyā* (available to me only in *Nuzha* l.c.); Muftī Ghulām Sarwar, *Khazīnat al-Aṣfiyā*, Lahore 1284, 332; 'Abd al-Ḥayy Lucknawī, *Nuzhat al-Khawātir* (II) 143; Beale, *Oriental biographical dict.*, Calcutta 1881, 75; Storey, 1025, 1027. (MOHAMMAD SHAFI)

Encyclopédie de l'Islam

✓ **BURHĀN AL-DĪN KUṬB-I 'ĀLAM**, i.e. ABŪ MUḤAMMAD 'ABD ALLĀH B. NĀṢIR AL-DĪN MAḤMŪD (or Muḥammad) b. DĪJALĀL AL-DĪN MAḤMŪD-I DJAHĀNIVĀN, usually known as *Kuṭb-i 'Ālam*, a famous Suhrawardī saint and the founder of the Bukhāriyya Sayyids of Guḍjarāt (W. India). He was also known as *Ṭhānī-i Mahkdūm-i Djahānīyān* (*Ma'āridī*). Born at Uchcha (now in Bahāwalpur) on 14 Rādjab 790/19 July 1388, he died at Batwa (Ardastānī, *Mahfil al-Aṣfiyā*, f. 329b; cf. *Ulughkhānī*, i, 140°), or Bātwa (*Ma'āridī*) a village 6 miles south of Aḥmadābād, on 8 Dhu 'l-Ḥiḍjja 857/10 December 1453 (*Maḥla' yawm al-tarwīya* = 857 is the chronogram recorded in *Akhhār al-Akhyār*, but one later writer, *Khweshgī*, gives the date as 856), conflicting accounts are given as to why and when he came to Guḍjarāt, (cf. e.g., *Ā'in*, *Ma'āridī* and *Ma'āthir al-Umarā*). The following version occurs in the *Mir'āt-i Aḥmadī*: Being left an orphan at the age of ten, he was brought up by his father's uncle Shāh Rādīū *Qattāl* (d. 827/1424, *Khazīna* 733), who directed him to go to Guḍjarāt for missionary work. He reached Patan in 802/1399-1400 and was well received by Sulṭān Muẓaffar Shāh I, a disciple of his grandfather. He studied the usual sciences with Mawlānā 'Alīshīr Guḍjarātī, and became eminent in learning. When Aḥmadābād was founded (813/1411) he settled first in the (Old) Asūal, and finally at Batwa, for the rest of his life. For the *Shaykhs* from whom he received *khirḳas*, see *Nuzha*, iii, 97. A notable one among these was *Shaykh* Aḥmad-i K'hattū (d. 849/1446). Kuṭb-i 'Ālam, his successors and their disciples, particularly his son Shāh 'Ālam did remarkable work for the spiritual uplift of the people of Guḍjarāt, who had great faith in them and among whom they enjoyed high repute (cf. *Tuzuk-i Djahāngiri*, Aligarh 1864, 208 f., English translation by Rogers-Beveridge, i, 421 f.). They exercised great influence over the Aḥmad Shāhiyya, Kings of Guḍjarāt (cf. *Mir'āt-i Sikandari*, 185¹²), and later several Mughal Emperors, from Djahāngir onwards, showered benefits on the *Shaykhs*, and some of the Emperors personally visited the shrines at Aḥmadābād. Shāhdjāhān made one of the *Shaykhs mansabdār* and *ṣadr-i kull*, and Awrangzīb made his son *ṣadr al-ṣudūr* (*Kānī* ii, 31; M. Sāḳī, *Ma'āthir 'Ālamgiri*, B.I.S., 166, 347). When Kuṭb-i 'Ālam died, the nobles of the Aḥmad Shāhi Court erected a magnificent mausoleum on his tomb, which is now in a ruined condition (see J. Burgess, *Muhammadan Architecture of Ahmadabad*, London 1900, i, 60 f.; for that of Shāh 'Ālam see *ibid.*, ii, 15 ff. Plates). 'Alī Muḥammad Khān testifies to the tomb being frequently visited in his time (1176/1762). For a specimen of the language Kuṭb-i 'Ālam spoke, see *Mir'āt-i Sikandari* 254 (cf. *Mir. Aḥmadī: Khātima* 28, *Ulughkhānī* i, 236), where a detailed account of an oft-mentioned miracle of his is given.

Bibliography: Apart from the works quoted above, the following are important: Abu 'l-Faḳī, *Ā'in-i Akbarī*, Bibl. Ind. series, II/221, Eng. tr. Jarrett III/372; Iskandar b. Muḥammad, *Mir'āt-i Sikandari*, Bombay 1308, 52 ff., 46 (cf. 126, 285), 142, 254, 323 f. and *passim*; Muḥammad Ghawṭhī Mānduwī, *Gulzār-i Abrār*, (available to me only in the Urdū version entitled *Adhkār-i Abrār*, Agra 1326, 1477; *Ulughkhānī*, *Zafar al-Wāliḥ*, ed. E. D. Ross, London 1910-28, index s.vv. *Burhān al-Dīn* and *Batwa*; 'Abd al-Ḥaḳḳ Dihlawī, *Akhhār al-Akhyār*, Delhi 1309, 157; Firiḡhta, Bombay 1832, ii 379, 390, 424; Dārā *Shukōh*, *Safīnat al-Awliyā*, Lucknow 1876, 117; 'Ubayd Allāh

84

The Encyclopædia of Islam, c. 1, s. 1329-1330

1960 (LEIDEN - E. S. BRILL)

BURHÂNÜD-DÎN KUTB-I ÂLEM, Ebû Muh. Abdullâh b. Nâsîru'd-Dîn Mahmûd (veya Muh.) b. Celâli'd-dîn Mahdûm-i Cehâniyân, özellikle Kutb-ı Âlem diye mâruf olan meşhur bir Suhreverdi müşfidi ve Gucerat (Batı Hindistan) Buhâriyye Tarikatının bâ-nisi. Ayrıca Sâni-i Mahdûm-i Cehâniyân diye de Mârufur (Me'âric). Uçça (Şimdi Bahâvalpur'dadır)'da 14 Receb 790/19 Temmuz 1388'de doğdu ve Ahmedâbâd'ın 6 mil güneyindeki Batva (Ardestânî, Mahfil el-Asfiyâ, varak 329 b; krş. Ulugkhânî, I, 140) veya Bâtva (Me'âric)'da 8 Zu'l-Hicce 857/10 Aralık 1453'de (Matla' yevm el-terviye = Ahbâr el-Ahyâr'da kaydedilen tarih 857 olmakla beraber Hweşgî 856 olarak vermektedir) vefat etmiştir. Gucerat'a niçin ve nezaman geldiğine dair mühtelif rivâyetler vardır (krş. Â'in, Me'âric ve Me'âsir el-Umerâ'). Mir'ât-i Ahmedî'de şöyle bir rivâyet vardır. On yaşında yetim kalınca babasının amcası Şah Râcû Kattâl (v. 827/1424, Hazine 733) tarafından terbiye edilmiş ve tebliğ vazîfesi için Gucerât'a gönderilmiştir. 802/1399-1400'de Patan'a varmış ve burada dedesinin tilmizlerinden olan Sultan Muzaffer Şah tarafından hüsnü kabul görmüştür. Mevlânâ Alişir Gucerâtî'den ilim tahsil etmeye başlamış ve bu yolda güzîde bir kimse olduğunu göstermiştir. Ahmedâbâd kurulduğunda (813-1411) evvelâ (Eski) Asâval'da daha sonra ise hayatının sonuna kadar Batva'da ikâmet etmiştir. Kendilerinden hırka aldığı Şeyhleri için bkz. Nuzhe, III, 97. Şeyh Ahmed-i Hattû (v. 849/1446) bu şeyhlerin ileri gelenlerin-